

## تقوا؛ عاملی برای رفتار سازمانی اسلامی

دکتر جعفر ترکزاده<sup>۱</sup>، مهدی امیری<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، ایران.

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و هفتم، دی‌ماه ۱۳۹۷، صفحات ۴۴-۱۷

### چکیده

قرآن تقوا را شرط نجات از آتش جهنم و قبولی اعمال دانسته که موجب نزول برکات بر شخص و رهایی انسان از گرفتاری‌ها در دنیا می‌شود. تقوا در شبکه محوری و اساسی اصطلاحات و واژگان کلیدی قرآن و اسلام جا می‌گیرد. با توجه به مسائل و مشکلاتی که جوامع و سازمان‌های مختلف با آن روبرو هستند به نظر می‌رسد که تقوا به‌عنوان یک عامل مهم و اساسی و ریشه‌ای در حل این مسائل و مشکلات است و دارای قابلیت کارکردی و کاربردی و به تعبیری دارای عاملیت در شکل‌دهی و تحقق رفتار سازمانی اسلامی است لذا در این مقاله، مفهوم، معانی، تأثیرات فردی و اجتماعی، مصادیق و ارتباط تقوا با شیوه‌های کنترل رفتار با استفاده از آیات و روایات قرآنی به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای اسنادی با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته و سعی شده است تا با بهره‌گیری از مفهوم تقوا، مبنایی برای نظام رفتاری اثربخش مبتنی بر سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: تقوا، رفتار، خودکنترلی.

## مقدمه

تقوا از «وقایه» و وقایه به معنی حفظ شیء است، از آنچه به او زیان برساند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹). تقوی به معنایی که ذکر شد و فعل مجرد آن «وقی»؛ «یقی» چندین بار در قرآن به کار رفته است، به عنوان مثال: در سوره طور آیه ۲۷ از قول متقین و مومنین آمده است که: «خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب نافذ حفظ کرد و در امان داشت» و یا در سوره آل عمران آیه ۱۹۱ در بیان ویژگی های اولوالباب چنین آمده است که «پروردگارا جهان هستی را بیهوده نیافریدی، تو را تسبیح می گوئیم، ما را از عذاب آتش حفظ و صیانت فرما». امام خمینی (ره) می فرماید: تقوا از وقایه به معنای نگهداری است و در شرع، به معنای محافظت از نفس در برابر مخالفت با اوامر و نواهی حق تعالی است و در بسیاری از جاها، در معنای محافظت شدید از نفس از طریق ترک مشتهات برای جلوگیری از واقع شدن در منہیات الهی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸). شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته اند: این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است (مطهری، ۱۳۹۴) و تقوای دینی و الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آن ها نشود (مطهری، ۱۳۹۴). به عقیده ایشان، ما دو نوع تقوا می توانیم داشته باشیم؛ الف) تقوایی که ضعف است و ب) تقوایی که قوت است. نوع اول این است که انسان برای این که خود را از آلودگی های معاصی حفظ کند، از موجبات آن ها فرار می کند و خود را همیشه از محیط گناه دورنگه دارد. نوع دوم این که در روح خود حالت و قوتی به وجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی دهد که اگر فرضاً در محیطی قرار گیرد که وسایل و موجبات گناه فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ کند (مطهری، ۱۳۹۴). در قرآن مجید ۲۱۰ آیه وجود دارد که کلمه تقوا به صورت های مختلف و صیغه های گوناگون در آن بکار رفته است ولی تمامی آن ها در یکی از چهار معنای زیر استعمال شده است: ۱- خشیت (ترس) چنانکه در سوره حج آمده است: «يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ»<sup>۱</sup>. ۲- به معنای عبادت

۱. سوره زمر آیه ۱۰.

و بندگی چنان‌که در سوره نحل آمده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ»<sup>۳</sup> - عدم عصیان چنان‌که در سوره بقره آیه ۱۸۹ وارد است «به منزل‌ها از طریق درهای آن وارد شوید و از اطاعت خدا سرپیچی و عصیان نکنید»<sup>۴</sup> - یکتا داشتن خدا و اخلاص در عمل چنان در سوره نساء می‌فرماید: «اتقوا الله؛ یعنی خدا را یکی قرار دهید» (حقانی زنجانی، ۱۳۷۱).

در حدیثی از امام صادق (ع) مراتب سه‌گانه تقوا این‌گونه بیان شده است: (۱) تقوای عام یعنی ترک محرمات که ناشی از خوف عذاب جهنم است؛ (۲) تقوای خاص یا «تَقْوَى مِنَ اللَّهِ» که عبارت است از اینکه شخص نه‌تنها محرمات بلکه شُبُهَات (کاری که احتمال حرام بودن دارد) را نیز ترک کند (ورع)؛ (۳) تقوای خاص الخاص یا «تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ»، مرتبه‌ای است که شخص نه تنها شُبُهَات بلکه (بعضی از) امور مباح را نیز ترک می‌کند (بحارالانوار، ج ۶۷) به عبارت دیگر دوری از مباحات، در پرتو اشتغال به واجبات و مستحبات. در نهج البلاغه نیز واژه تقوی بسیار به کار رفته است از جمله: «بندگان خدا بدانید که تقوی دژ و حصاری بلند و نفوذناپذیر است و بی‌پروایی و گناه حصاری پست است که حافظ ساکنان خود نیست و آن‌که بدان پناه برد را امان نمی‌دهد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷).

به‌طور کلی می‌توان گفت، تقوا، نگه‌داشتن نفس و جان از آنچه انسان از آن بیمناک است و سپس به معنای خوف و ترس هم نامیده شده است (میر شمسی، ۱۳۸۶). کلمه تقوی در قرآن، حدیث و سخن بزرگان در محورهای ترس، خداپرستی، پرهیز و خودداری از هرگونه انحراف، مبارزات نفسانی و جسمانی و حفظ جان و روح از آفات است و اگر احياناً در معانی دیگر هم به کار رفته به خاطر مناسباتی است که با این معانی داشته است. لذا تمامی کلمات و لغات مختلف، تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن «پرهیز» است (انجوی نژاد، ۱۳۷۵). در منابع اسلامی، تقوا، «دلیل ایمان آوردن» (نوری طبرسی، ۱۴۰۷)، «نشانه شیعیان» (کلینی، ۱۳۶۵)، «ملاک قبولی اعمال» (آمدی، ۱۳۶۶) و «رئیس اخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۴) خوانده شده است و اعمالی با ارزش هستند که همراه با تقوی یعنی ترس و خشیت الهی همراه باشند. در قرآن کریم عمل همراه با تقوی عملی ریشه‌دار و عمل بدون تقوی عملی سست و در مسیر

<sup>۱</sup>. سوره نحل آیه ۲.

تخریب معرفی شده است (توبه، آیه ۱۰۹). در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده است که «عملی که همراه با تقوی باشد اندک نیست» (نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۲۹).

### سؤالات پژوهش

- ۱- مفهوم تقوا در آثار اسلامی و قرآن و روایات به چه معناست و مفاهیم مترادف و متضاد آن کدامند؟
- ۲- آثار و مخاطبین تقوا در آموزه‌های اسلامی چه کسانی هستند؟
- ۳- کاربرد تقوا در مفاهیم رفتار سازمانی به چه صورت است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال تبیین و بررسی تقوا به عنوان عاملی برای رفتار سازمانی اسلامی از منظر قرآن و روایات بوده و با عنایت به عنوان و سؤال‌های مطرح‌شده، پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. جامعه پژوهش شامل، قرآن کریم و اسناد، مدارک و منابع روایی مرتبط با موضوع مورد بررسی می‌باشد. از آنجاکه در پژوهش حاضر منابع و مراجع موجود فیش‌برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، نمونه‌گیری انجام نشده و منابع و مراجع در دسترس مذکور مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده ولی در این ارتباط از فرم‌های فیش‌برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است. از آنجاکه داده‌های به دست آمده کیفی است، بنابراین از تحلیل‌های کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی آن‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها سؤال اول پژوهش عبارت است از اینکه «مفهوم تقوا در آثار اسلامی و قرآن و روایات به چه معناست و مفاهیم مترادف و متضاد آن کدام‌اند؟»

### مفاهیم متضاد و مترادف با تقوا

**الف) ایمان:** رابطه ایمان و تقوا بسیار نزدیک است. علامه طباطبایی پس از تحلیلی درباره یهود چنین آورده است: «...یهود در مرحله اعتقاد، ایمان داشته‌اند و لکن از آنجائی که در مرحله عمل، تقوا نداشته و رعایت محارم خدا را نمی‌کرده‌اند، اعتنائی به ایمانشان نشده و از کافرین محسوب شده‌اند.» (تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۰۶). یعنی ایمان بدون تقوا هیچ معنایی نمی‌دهد و حتی گاهی در روایات اسلامی از «کلمه تقوا» به «ایمان» تعبیر شده است (شعیری، ص ۳۰۶) بنابراین مؤمنان حقیقی، کسانی هستند که «بین ایمان و تقوا جمع کرده‌اند.» (تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۷۳-۵۷۲).

**ب) سکینه:** کلمه «سکینت» حالت قلبی است که موجب سکون نفس و ثبات قلب می‌شود و آن‌گونه که از تفاسیر آیات مرتبط برمی‌آید ملازم با ازدیاد ایمان بر ایمان است و نیز ملازم با کلمه تقوا است که قلب آدمی را به پرهیز از محرمات الهی وادار می‌سازد ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾ (فتح، آیه ۴).

**ج) اطاعت:** راغب اصفهانی، ریشه اطاعت را «طوع» به معنای پذیرفتن و اطاعت و اجرای امر شارع بیان کرده است (راغب اصفهانی، ص ۳۱۰) ابوهلال عسکری در بیان تفاوت آن با تقوا آورده است: «با استفاده از روایات طاعت، پذیرفتن امر مطلوب شارع، واجب یا مستحب است و تقوا، بازداشتن نفس است از آنچه شارع مقدس نهی کرده، چه حرام باشد یا مکروه و این به نظر من درست است.» (عسکری، ص ۱۳۷).

**د) ورع:** امام علی (ع) درباره «ورع» فرمود: ورع (پرهیزگاری) توقف در برابر شبهات است؛ یعنی ورع آن نیست که آدمی خود را از حرام یقینی بازدارد، بلکه آن است که در برابر شبهه نیز بایستد و مرتکب آن نشود (حسنی بیرجندی، ۱۳۷۶). برخی از عالمان با توجه به این روایت و روایات مشابه، می‌گویند: انسان متقی کسی است که از گناه پرهیزد، اما بالاتر از مقام تقوا، ورع است؛ زیرا در

مقام ورع نه تنها باید از گناهان اجتناب کرد و عامل به واجبات بود، بلکه از شبهات و حتی گاهی از کارهای حلال و مباحی که ممکن است مقدمه‌ای شود برای داخل شدن به گناه، نیز باید دوری گزید (آل غازی، ۱۳۸۲). امام صادق (ع) برای تقوا درجات و مراتبی ذکر می‌کند که یکی از آن مراتب را «ورع» می‌شمارد. آنجا که می‌فرماید: «شما و خودم را به تقوای الهی و اطاعت فرمان خدا سفارش می‌کنم. پس بدانید که از مراتب تقوا، طاعت خدا و رعایت ورع است» (کوچه باغی، ۱۴۰۴). همان‌طور که پیشتر گفته شد «ورع» عبارت است از اینکه انسان در برابر شبهات و موارد مشتبّه توقف کند که این امر هم به‌حکم عقلی و هم حکم فطری است، پس انسان به‌طور فطری گرایش به خیر و انزجار از شر دارد<sup>۱</sup>. بدین ترتیب، آنچه خیر است و با نظام خلقت انسان سازگاری دارد، برای انسان آرام‌بخش است و هر چه شر است و با مصلحت انسان ناهمگون است، باعث آزار و اضطراب او می‌شود<sup>۲</sup>.

ه) فجور: در قرآن کریم فجور مقابل تقوا قرار گرفته است: «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ...» یا پرهیزگاران را چون پلیدان قرار می‌دهیم» (ص، آیه ۲۸)، «فَاللَّهُمَّاهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» «سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد» (شمس، آیه ۸). امام علی (ع) می‌فرماید: «نیک‌ترین مردمان پرهیزگارترین آنان و بدترین آنان پلیدترین ایشان است» (آمدی، ص ۲۶۹).

راغب اصفهانی فجور را از فجر به معنای «شکستن و جدا کردن» دانسته است و فجور در فرهنگ دینی به معنای «شکستن پوشش دیانت» می‌داند (راغب اصفهانی، ص ۳۷۳).

و) غوایت: قرآن کریم غوایت را در مقابل تقوا قرار داده است «وَأَزَلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ وَبُرُزَّتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (شعراء، ۹۰ و ۹۱). علامه طباطبایی در تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ سوره شعراء واژه‌ی غوایت را مقابل تقوا دانسته و چنین آورده است: «... در اینجا میان متقین و غاوین مقابله انداخت و از بین صفات دو طایفه، دو صفت تقوا و غوایت را نام برد تا اشاره کند به آن دو قضایی که خدای تعالی در روز راندن ابلیس به خاطر امتناعش از سجده بر آدم نمود و در سوره حجر (آیات ۴۲ و ۴۵) آن دو قضا را نام برده

۱. وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) فَاللَّهُمَّاهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (سوره شمس، آیه ۷ و ۸).

۲. عن الرسول (ص): دع ما یریبک الی ما لا یریبک فان الخیر طمانینه و الشر ریه (کنز العمال حدیث ۷۳۰۸).

است» (تفسیر المیزان، ص ۴۰۶) «غی به معنای جهل است و از گونه‌های اعتقاد فاسد است، چرا که جهل گاه از این سبب است که انسان، اعتقاد صحیح یا ناصحیح ندارد و گاه از اعتقاد ناصحیح است و این از آن نمونه است» (راغب اصفهانی، ص ۳۶۹).

ز) طغیان: در قرآن کریم «طاغین» در مقابل «متقین» قرار داده شده اند: ﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ \* هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ﴾ (ص، آیات ۴۹ تا ۵۵) راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن، عمل طاغین را «تجاوز از حد و سرپیچی» معنا کرده است (راغب اصفهانی، ص ۳۰۴).

در یک جمع‌بندی که بر اساس مفاهیم متضاد و مترادف تقوا بیان شد می‌توان چنین گفت که هر آنچه انسان را به انوار الهی و رضایت و خشنودی او نزدیک گرداند متضمن نوعی تقوا است و هر آنچه مانعی برای رسیدن به این امر بوده و متضمن پلیدی و تباهی است متضاد تقوا محسوب می‌شود. لذا عصیان و سرپیچی از دستورات و اوامر الهی، نور تقوا را در انسان تضعیف کرده و انسان را از ایمان قلبی واقعی که فلاح و رستگاری انسان در گرو آن است، دور می‌سازد.

سؤال دوم پژوهش عبارت است از اینکه «آثار و مخاطبین تقوا در آموزه‌های اسلامی چه کسانی هستند؟»

#### آثار تقوا

یکی از مهم‌ترین آثار تقوا در انسان بصیرت و روشن‌بینی است که در آیه ۲۹ سوره انفال بر آن تأکید شده است «اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند برای شما مایه تمیز و تشخیص می‌دهد». در یک دسته‌بندی آثاری که برای تقوا در قرآن ذکر شده است را می‌توان به دودسته کلی؛ آثار اولیه (به این معنا که آثارشان در همین دنیا نمود داشته و فرد می‌تواند آن‌ها را در زندگی خود دریابد) و ثانویه (دارای اثراتی هستند که بعداً در برزخ و قیامت خود را نشان خواهند داد) و سه گروه تقسیم کرد: آثار دنیوی، آثار اخروی و آثار مستمر (البته برخی از این آثار مستمر از نوع اولیه و برخی ثانویه است).

## الف. آثار دنیوی

- ۱- خداوند به کسی که تقوا داشته باشد، از راهی که به حساب نمی‌آورد، روزی می‌دهد: «و هر کس که خداترس شود راه بیرون شدن را بر او می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد، به او روزی عطا کند».
- ۲- هدایت قرآن نصیب افراد با تقوا می‌گردد: «این کتاب بی‌هیچ شک، راهنمای پرهیزکاران است»<sup>۱</sup>. «ای مؤمنان! اگر از خداوند پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را می‌پوشاند و شمارا می‌آمرزد و خداوند صاحب بخشش بزرگ است»<sup>۲</sup>. قرآن می‌گوید اگر متقی واقعی باشید دو اثر دارد. یکی اینکه گشایش در کار به وجود می‌آید در اثر تأثیر معنوی آن. واقعاً اگر کسی پاک و باتقوا زندگی کند، یک سلسله‌گره‌ها برایش پیش نمی‌آید و اگر پیش بیاید حل می‌شود. خاصیت دوم تقوا این است که بر روشن‌بینی می‌افزاید. اگر انسان متقی باشد، روشن‌بین‌تر است زیرا تقوا صفای روح می‌آورد، تقوا آن تیرگیهایی را که باعث می‌شود انسان از روشن‌بینی‌هایی که مخصوص خود اوست استفاده نکند از بین می‌برد، تقوا گرد و غبار تعصب را پاک می‌کند، کینه‌توزی را فرو می‌نشانند، در نتیجه عقل، آزاد فکر می‌کند.
- ۳- کسانی که تقوا ورزند، خدا درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان باز می‌کند: «چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم»<sup>۳</sup>.

۱. طلاق، آیه ۲ و ۳.

۲. بقره، آیه ۲.

۳. انفال، آیه ۲۹.

۴. اعراف، آیه ۹۶.



۴- تقوا عامل برون رفت از شدائد و رهایی از تنگناها و گرفتاریها: قرآن کریم در سوره طلاق آیه ۲ چنین بیان می‌کند که: «هر کس که تقوای خدا داشته باشد خداوند برای او راه بیرون شدن از سختیها و شدائد را قرار می‌دهد» و همچنین می‌فرماید: «هرکس که تقوای الهی داشته باشد خداوند یک نوع سهولت و آسانی در کار او قرار می‌دهد» (طلاق، آیه ۴).

#### ب. آثار اخروی

۱- کسانی که تقوای الهی داشته باشند میهمان خوان کرم الهی خواهند بود: «متقیان هم امروز در باغ‌های بهشت پرنعمت‌اند»<sup>۱</sup>.  
 ۲- تقوا توشه و ذخیره‌ای برای پیمودن مسیر دشوار برزخ و صحرای قیامت است چنان‌که قرآن می‌فرماید «بهترین توشه این راه تقواست»<sup>۲</sup>.  
 ۳- تقوا داشتن مبنایی است برای پذیرش اعمال یعنی اگر کسی کاری را بدون نیت الهی انجام دهد، سودی برایش نخواهد داشت و عمل او مقبول درگاه الهی نخواهد بود «خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت»<sup>۳</sup>.  
 ۴- تقوا همچون پوشش و لعابی است که می‌تواند بدی‌ها و زشتی‌های انسان را در عرصه قیامت از دیدگان ناظرین مستور دارد و این بخشی از وعده الهی در عرصه قیامت در خصوص متقین است چنان‌که فرمود: «و هر که از خدا بترسد، خدا گناهانش را بپوشاند و او را پاداش بزرگ عطا کند». لذا تقوا هم عامل ستر گناهان است و هم موجب پاداش بزرگ در روز رستاخیز<sup>۴</sup>.

۱. طور، آیه ۱۷.

۲. بقره، آیه ۱۹۷.

۳. مائده، آیه ۲۷.

۴. طلاق، آیه ۵.

## ج. آثار مستمر

۱- تقوا نشانه بزرگی و شکوه فرد در پیشگاه الهی است: «بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین مردم اند»<sup>۱</sup>. ۲- موجب یاری خداوند است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> و آن‌ها پیروز و سربلند حقیقی اند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۳</sup> و رستگاری حقیقی از آن آنهاست «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۴</sup>. ۳- تقوا عامل دوستی خداوند است: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ»<sup>۵</sup> و این افراد از هیچ کس و هیچ چیز خوف و ترسی ندارند «فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۶</sup>، لذا تقوا موجب امان خداوند نیز هست.

## مخاطبین تقوا

با کمی تتبع در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار مشخص می‌شود که مخاطبان تقوا و پرواپیشگی دودسته‌اند که می‌توان آنان را به دودسته کلی مخاطبان عام و مخاطبان خاص تقسیم کرد:

(۱) **مخاطبین عام:** در خطاب‌هایی که به صورت عمومی در آیات قرآن آورده شده، گاه مردم، گاه مسلمانان و گاه اهل ایمان، مورد خطاب واقع شده‌اند: **الف) خطاب به عامه مردم:** این مورد، عموم مردم، بر حذر داشته شده‌اند: «ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است.» (حج، ۱). «ای مردم، از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری، وعده‌ی خدا حق است. زنه‌ار تا این زندگی

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. توبه، آیه ۳۶.

۳. مائده، آیه ۵۶.

۴. مجادله، آیه ۲۲.

۵. انفال، آیه ۳۴.

۶. بقره، آیه ۳۸.

دنیا شمارا نفریید و زنهار تا شیطان شمارا مغرور نساژد» (لقمان، ۳۳). ب) **خطاب به اهل ایمان:** در این باره بیشتر برای یاری رسول خدا (آمدی، ۱۳۶۶)، وفای به عهد و روز قیامت پروا داده شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹). «ای پیامبر! از تو درباره‌ی غنایم جنگی می‌پرسند. بگو: غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس خدا را پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید» (انفال، ۱). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید؛ و هر کسی باید بنگرد که برای [خود] از پیش چه فرستاده است؛ و [باز] از خدا بترسد. در حقیقت خدا به آنچه می‌کنید آگاه است» (حشر، ۱۸).

۲- **مخاطب خاص:** در قرآن و سنت گاهی اوقات مخاطب تقوا، اشخاصی خاص می‌باشند؛ نمونه‌هایی از این‌گونه خطاب را می‌توان در خطاب خداوند در قرآن به رسول اکرم (آمدی، ۱۳۶۶) و در روایات، خطاب به کارگزاران امام علی (ع) (ابی‌الحدید، ۱۴۰۴) و معاویه مشاهده کرد «ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است» (احزاب، ۱). در نامه‌ی امیرمومنان حضرت علی (ع) که به سال ۳۹ هجری برای مالک اشتر نخعی نوشتند، چنین آمده است: «او را فرمان می‌دهد به تقوای الهی و مقدم داشتن طاعت خدا بر هر کاری و پیروی از آنچه خداوند در کتاب خود بدان فرمان داده ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه شیروانی).

نتیجه این دسته‌بندی مخاطبین تقوا می‌تواند این باشد که اولاً شمولیت تقوا را بیان می‌کند که عام و خاص را در بر می‌گیرد و ثانیاً خداوند از هر انسانی به قدر تکلیفش بازخواست خواهد کرد و هر کس بر اساس سطح تقوایی که در آن قرار دارد مورد سؤال قرار خواهد گرفت «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش بازخواست نمی‌کند».

۱. بقره، آیه ۲۸۶.

سؤال سوم پژوهش عبارت است از اینکه «کاربست تقوا در مفاهیم رفتار سازمانی به چه صورت می‌باشد؟»

### محاسبه نفس و خودارزیابی عامل لازم ولی ناکافی تقوا

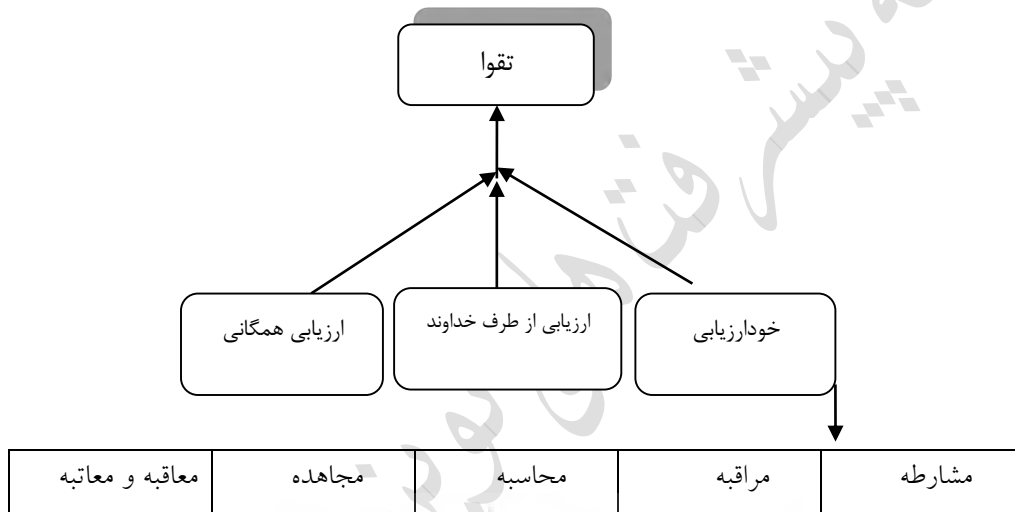
در اخلاق اسلامی، بررسی فضایی همچون صبر، کرامت، حیا، حزم، عبرت و بالاتر از همه تقوا، ارتباط خودمهارگری و فضیلت را اثبات می‌کند (رفیعی فر، ۱۳۹۲). از بررسی آیات، روایات و آثار اندیشمندان اسلامی چنین بر می‌آید که اساس مهار نفس، در مفهومی تحت عنوان «تقوا» تجلی یافته است و این مهار یاد شده زمانی شایسته تقوا خواهد بود که با انگیزه‌های الهی همراه گردد (رفیعی فر، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۵۹). پیامبر اعظم (ص) محاسبه نفس را شرط لازم (ولی ناکافی) «تقوا» (سرمنشأ تمام فضیلت‌ها) دانسته است و می‌فرماید: «لا یكون الرجل من المتقين حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه فیعلم من این مطعمه و من این مشربه و من این ملبسه أمن حلال أو من حرام» «هیچ کس در زمره افراد خویشان دار نخواهد شد، مگر این که شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می‌کشد، از خویش حساب بکشد تا این که بداند غذایش از کجاست و نوشیدنی اش از کجاست و لباسش از کجا آمده است؛ آیا از حلال است یا حرام؟» (حر عاملی، ۱۴۰۹). قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره حشر، مؤمنان دین خدا را که در پی خودمهارگری هستند، به نظارت‌گری خویشان و می‌دارد. قرآن کریم در خصوص مقوله خودارزیابی، از مردم می‌خواهد از گناهان دوری کرده و با اعمال شایسته، خود را ارزیابی کنند (اعراف/۳۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۹۶) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر کسی بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است. از خدا بترسید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است» (حشر/ ۱۸) که این نوع از ارزیابی نوعی تشویق به محاسبه نفس است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۵۱) و ملاک این خودارزیابی چنان‌که در برخی روایات آمده است: «من استوی یوماه فهو مغبون» (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷) پیشرفت نسبت به روز قبل است (حسینی زاده، ۱۳۸۶). لذا به انسان مسلمان توصیه می‌شود که همواره بر اعمال و رفتار خود نظارت داشته باشد و قبل از اینکه عملکردش مورد ارزیابی و سنجش دیگران قرار گیرد، خود عملکرد و رفتارش را مورد ارزیابی و حسابرسی قرار دهد «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»؛ (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۶، ص ۹۹؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۷۳).

امیرمؤمنان حضرت امام علی (ع) در تبیین اصل خودکنترلی چنین می فرماید «اجعل من نفسک علی نفسک رقیباً؛ از خودت مراقبی بر خویشتن قرار بده» (غررالحکم و دررالکلم). امام سجاد علیه السلام نیز نظارت درونی و خودکنترلی را عامل حرکت انسان در مسیر صحیح هدایت و تکامل دانسته و می فرماید: «ابن آدم آنک لا تزال بخیر ما کان لک واعظاً من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک؛ ای فرزند آدم! تو همواره در مسیر خیر قرار خواهی داشت مادام که موعظه کننده‌ای از درون داشته باشی و حسابرسی از خویشتن از کارهای اصلی تو باشد» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۷). مسأله خود ارزیابی ارتباطی تنگاتنگ با اعتقاد و ایمان دارد؛ هرچه ایمان به خدا و رستخیز در افراد قوی‌تر باشد، محاسبه نفس، نقش پررنگ‌تری در تربیت دینی او می‌یابد؛ زیرا شریعت آسمانی و مبانی اعتقادی آن، آدمی را به حسابرسی از خویش و آمادگی برای پاسخگویی روز جزا ترغیب می‌کند و برعکس، کافران و کسانی که ایمان ضعیف دارند، با دور ماندن از حقیقت توحید و معاد و بیگانگی با دین، از خود ارزیابی نیز غفلت کرده، گرفتار زیانی سخت می‌شوند. قرآن مجید درباره آنان می‌فرماید: «کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت» (سوره ص، آیه ۲۶). به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که اولاً خودکنترلی و خود ارزیابی یک علت لازم ولی غیر کافی برای تقوا است و ثانیاً خودکنترلی یک دلالت رفتاری تقوا است یعنی وجود تقوا به صورت خودکنترلی در رفتار و کردار فرد متجلی گشته و نمود بیرونی می‌یابد.

#### شیوه‌های کنترل در معارف اسلامی

نظام کنترلی که می‌توان از منابع دینی استخراج کرد، نظامی جامع، کامل، عادلانه و منحصر به فرد است. این نظام دارای بخش‌های نظارتی همچون؛ نظارت خداوند متعال (نظارت الهی)، نظارت فرد بر اعمال خود (خودکنترلی)، نظارت عمومی (همگانی) است (نجات‌بخش و مطهری، ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین دستگاه‌هایی که در کار انسان نظارت می‌کنند عبارت است از نفس لواحه (فروزنده، ۱۳۸۵) لذا در مکتب اسلام، نظارت فرد بر خود، به‌عنوان نظارت درونی و خودسازی فردی بسیار مورد تأکید است (بختیارزاده،

۱۳۸۶) و به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مکانیسم‌های کنترل مورد توجه خاصی است چرا که هرچه خودکنترلی بیشتر باشد نیاز به سایر مکانیسم‌های کنترل کمتر می‌گردد (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱. انواع مکانیسم‌های ارزیابی اعمال انسان بر اساس آموزه‌های اسلامی

بیشتر رویکردهای سنتی کنترل رفتار مانند رویکردهای طراحی یا ساختار سازمانی؛ قدرت یا اختیار؛ هدف گذاری و سیستم های پاداش بر کنترل بیرونی متمرکز هستند (امیری، ۱۳۸۳)؛ اما نظام کنترل در سازمان تا وقتی مشوق خودکنترلی نباشد یک نظام کنترل مؤثر نخواهد بود (شرمرهورن، ۲۰۰۴) چرا که ممکن است به محض کنار رفتن عامل کنترل، رفتار و عملکرد به حالت پیش از کنترل برگشت نماید، لذا با حرکت سازمان به سمت رویکردها خودکنترلی و به عبارتی تعهد و تقوای کاری، دیگر از بابت تغییر وضعیت سازمان و عوض شدن رویکردهای کنترل نگرانی وجود نخواهد داشت. در برخی از منابع مدیریتی، عواملی از جمله تلفیق هدف های فرد و سازمان، خویشتن کاری، انگیزه توفیق طلبی، ادهوکرایی، ارزشها، احساسات ملی و وجدان کاری برای ایجاد خودکنترلی در افراد ذکر شده است (خدمتی، ۱۳۸۲). همچنین با استفاده از منابع اسلامی، عواملی نظیر تقویت ایمان، ترویج ارزش های اسلامی،

گزینش نیروها و تأمین و توسعه رفاه کارکنان بیان شده است (پیروز، ۱۳۸۳). «خودکنترلی» عبارت است از توانایی شخص در کنترل عواطف، رفتارها و خواسته های خود، به منظور به دست آوردن برخی پاداش ها و یا اجتناب از برخی تنبیه ها. به احتمال، برخی از پاداش ها و تنبیه های کوچکتر، که در کوتاه مدت اتفاق می افتند، مانع پاداش ها یا تنبیه های بزرگتر می گردد و یا آن ها را کاهش می دهد. گاهی «خودکنترلی» در روانشناسی «خودتنظیمی» نامیده می شود. خودکنترلی عاملی حیاتی در رفتار است تا به وسیله آن، به اهداف سازمانی دست یابد و از انگیزه ها یا عواطفی که می تواند رفتار منفی را اثبات کند اجتناب نماید (اشمیت و تیمپانو، ۲۰۱۳).

«خودکنترلی» نوعی کنترل بر رفتار است که شخص در برابر تأثیراتی که از طریق دیگران یا محیط بر او اعمال می شود، بر رفتار خود اعمال می کند (توماس، ۱۹۸۳). برخی معتقدند: «خودکنترلی» حالتی است در درون افراد که بدون آنکه تحت نظارت یک عامل خارجی قرار داشته باشند، وظایف سازمانی خود را به خوبی انجام می دهند (الوانی، ۱۳۶۷). هدفی که در خودکنترلی دنبال می شود، ارائه یک شخصیت سالم است که به بلوغ فکری رسیده است، در برابر انواع مشکلات از خود مقاومت نشان می دهد و علاوه بر محیط کار در زندگی شخصی خویش نیز خود کنترل می شود و این امر از طریق تدارک بسترهای مناسب در سازمان، نهادینه خواهد شد (خیری، ۱۳۸۲). خودکنترلی، حالتی درون فرد است که بدون کنترل یک عامل خارجی، او را به انجام وظایفش متمایل می سازد (فروزنده، ۱۳۸۵). هر گاه عامل کنترل کننده از خارج به داخل انسان منتقل گردد، به طوری که شخص با اختیار و آگاهی به ارزیابی و اصلاح عملکرد خود در قالب استانداردهای مشخص و در جهت اهداف مطلوب بپردازد، خودکنترلی تحقق یافته است (سجادی، ۱۳۸۵). آثار و علامات خودکنترلی عبارتند از: ۱- مقید به اطاعت از خدا؛ ۲- خضوع و فروتنی؛ ۳- عشق به عبادت؛ ۴- آرامش و اطمینان؛ ۵- توجه خدا به بنده؛ ۶- داشتن روحیه جهاد و تلاش؛ ۷- احسان و خدمت به مردم (فروزنده، ۱۳۸۵).

در اسلام زمینه های اعتقادی به گونه ای است که بهترین رشد برای خودکنترلی و خودبازرس ساختن افراد فراهم است و اعتقادات فرد مسلمان بهترین کنترل و بازرس او به شمار می آید (رضوی و جعفری، ۱۳۷۶). خودکنترلی مبتنی بر خودآگاهی و اختیار است که در فرهنگ ایرانی - اسلامی، می توان آن را به «وجدان کاری» تعبیر نمود (خاکی، ۱۳۷۴). در حقیقت خودکنترلی رویکردی است

که ریشه در فرهنگ بومی و ایرانی اسلامی دارد. بر طبق توصیه های دینی مبنی بر «موتوا قبل ان تموتوا» و یا «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» انسان موظف است قبل از هرکس، خودش به اعمال و رفتارش نظارت اساسی و عملی داشته باشد تا بتواند براساس شاخص های دینی رفتار خود را کنترل و اصلاح نماید. این فرد، خود را در مقابل خدای خود مسئول می پندارد، نه در مقابل رئیس و سازمان خود و کنترل های این جهانی و بر این پایه است که فرد می تواند خودکنترل شود (نجات بخش و مطهری، ۱۳۹۲). اگرچه هر فرد در کارهای خود به دلیل مختار بودن، توان کنترل خود را دارد، اما چون این فرایند در خلأ صورت نمی گیرد و در عمل، متأثر از عوامل بیرونی متفاوتی است، می توان آن ها را به عوامل نزدیک و دور تقسیم نمود. چنانچه کنترل او بر رفتار خویش و به عنوان خود کنترلی در کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم شود، می توان عوامل بیرون از فرد و مؤثر بر خودکنترلی را به عوامل درون سازمانی و عوامل بیرون سازمانی (عوامل محیطی و یا خارجی) مؤثر بر خودکنترلی، دسته بندی کرد (امیری، ۱۳۸۳). بر این اساس و آنچه که در خصوص خودارزیابی و خودکنترلی گفته شد، در آموزه های اسلامی برای محاسبه نفس و خودارزیابی به شیوه هایی همچون؛ مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاقبه و معاتبه سفارش شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۲) که در ادامه شرح و بسط داده می شوند.



جدول شماره ۱. مصداق‌هایی از انواع محاسبه نفس در قرآن

شماره آیه	سوره	آیات مرتبط	ارزشیابی	
۶	نساء	«وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»	محاسبه	کنترل، محاسبه نفس و خودارزیابی
۱۴	علق	«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»	مراقبه	
۱۸	حشر	«وَلَتَنْظُرُنَّ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»		
۶۰	یس	«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»	مشارطه	
۲	قیامت	«وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»	معاتبه و معاقبه	
۶	عنکبوت	«وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ»	مجاهده	

الف، مشارطه: منظور از آن شرط کردن با نفس خویش است در این مرحله وضع مطلوبی که فرد می‌خواهد به آن برسد مشخص شده و نحوه حرکت از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب مشخص می‌گردد. در این مرحله فرد با خود تعهد می‌نماید که از برخی رفتارها پرهیز نماید و یا خود را به انجام دادن پاره‌ای از کردارها مقید نماید که آن‌ها را مطلوب می‌داند. مشارطه را می‌توان به منزله تعیین استانداردها و اهداف فرد<sup>۱</sup> تلقی کرد که با توجه به ارزشیابی تشخیصی یا ورودی مشخص می‌شود.

ب) مراقبه: یعنی فرد با خودش پیمان می‌بندد که بر طبق برنامه‌های مشارطه عمل کند و بعد مدام از خودش مراقبه کند که همین طوری که پیمان بسته عمل کند (مطهری، ۱۳۷۳) در این مرحله فرد برای تحقق هدفی که برای خود مشخص کرده است و در واقع

1 . Self-Standards & Goals.

همان عملکرد فرد در جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده است قدم بر می‌دارد. مراقبه همان رفتار<sup>۱</sup> است و هدفش نظارت و کنترل بر عمل است که همان ارزشیابی تکوینی است.

ج) محاسبه: مرحوم نراقی در جامع السعادات (ج ۳، ص ۶۴۰) می‌فرماید: «محاسبه عبارت است از این که انسان در هر شبانه روز یک وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعات‌ها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است و مراقبه آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود تا اینکه در موقع محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود». محاسبه را می‌توان ارزشیابی پس از عمل یا پایانی دانست (حسینی زاده، ۱۳۸۶) و همان خودارزیابی<sup>۲</sup> است که در آن انطباق اهداف فرد با عملکرد خود بر اساس استانداردهای مورد نظر است. در این مرحله عملکردهای فرد ارزشیابی شده و نقاط قوت و ضعف بر اساس استانداردها و ضوابط و معیارهایی که در زمان مشارطه تعیین گردیده مشخص می‌گردد.

د) معاتبه و معاقبه: در لغت به معنی خشم گرفتن و ملامت و سرزنش کردن و عتاب نمودن است (دهخدا، ۱۳۳۸) و در اصطلاح اهل سلوک عبارت از آن است که سالک پس از مشاهده نافرمانی، تخلف و خیانت در مقام تادیب نفس خود برآید او را سرزنش و ملامت کند و بنحوی مقتضی تنبیه و تادیب کند. حقیقت معاتبه «نفس لوامه» انسان است که همواره در دنیا او را به خاطر گناه و نافرمانی از اطاعت خدا و کوتاهی در بندگی ملامت می‌کند و سبب نجات او در این جهان و آن جهان می‌شود؛ «و سوگند به نفس لوامه و وجدان بیدار انسان» (قیامت/۲) و به نوعی اعمال قوانین باز ارزشیابی برای برگشت به حالت تعادل نفس است که در آن فرد

1. Behavior.

2. Self- Evaluation.

در صورتی که از عملکرد خود ناراضی باشد، متناسب با میزان نارضایتی خود را مورد ملامت و سرزنش و یا عقوبت قرار می‌دهد (امیری، ۱۳۸۳). در این مرحله فرد بر اساس مقایسه عملکرد و رفتار با اهداف و استانداردها (آرزوها و آمال)، تلاش می‌نماید که به اصلاح خود بپردازد و ضعفهای احتمالی موجود در رفتار خود را برطرف نماید و این همان خودمدیریتی<sup>۱</sup> است.

#### ارتباط تقوا و خودکنترلی در سازمان

به اعتقاد بعضی، «خودکنترلی» با واژه‌های زیادی اشتراک معنایی و همپوشی دارد. برای مثال، با واژه‌هایی نظیر «کف نفس، تسلط بر نفس، خودنگهداری، خودگردانی، خودتربیتی، خودمهارگری، تقوا و ورع» (قدیری، ۱۳۸۹). عده ای فراتر رفته، می‌گویند: خودکنترلی در واقع، همان تقوای الهی است که در انجام دادن وظایف کاری متجلی می‌گردد؛ یعنی تقوای کاری و کنترل خویش به هنگام انجام دادن کار و پرهیز از خیانت و انحراف و کم کاری و تخلف شغلی و اداری (نبوی، ۱۳۷۲؛ حبیبیان، ۱۳۹۰). به نظر این دسته، مفهوم «خودکنترلی» مساوی معنای «تقوا» است و در اصطلاح، بین آن دو رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی هر جا خودکنترلی وجود داشته باشد تقوا نیز هست؛ زیرا خودکنترلی نوعی تقوای کاری است (مسعود و نادری قمی، ۱۳۹۴)؛ می‌توان گفت: بین «تقوا» و «خودکنترلی» رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا گرچه تقوا نوعی حفاظت و نگهداری خاص از نفس است که از آن به «حفظ حریم الهی» تعبیر می‌شود و این غیر از «خودکنترلی» است که شخص با تمرین و تحصیل حالت درونی، از خود برای حفظ منافع سیستم اجتماعی مراقبت می‌کند تا رفتارهای متضاد با منافع سیستم اجتماعی انجام ندهد؛ اما به هر حال، کسی که متقی است قطعاً خودکنترل نیز هست و - دست کم - می‌توان چنین گفت: کسی که با اعتقاد صحیح به خداوند و روز جزا و انجام اعمال صالح به ملکه تقوا دست می‌یابد بدون طی فرایند خودکنترلی در سازمان، خودکنترل‌تر از کسی خواهد بود که چنین نیست و ملکه تقوا را ندارد (زارعی متین، ۱۳۸۸). بنابراین، هر متقی یک خودکنترل در سازمان خواهد بود؛ به عبارت دیگر طبق قاعده عموم و خصوص مطلق، هر انسان متقی، خودکنترل نیز هست ولی الزاماً هر خودکنترلی، با تقوا نیست و بعضی از افراد خودکنترل متقی و

1. Self- Managing.

بعضی غیرمتمقی هستند. لذا خودکنترلی عاملی لازم برای رسیدن به مرتبه تقوا است ولی کافی نخواهد بود ولی در عین حال این خودکنترلی عاملی کمک‌کننده در مسیر تقوا خواهد بود. باید توجه داشت که درباره یک انسان نمی‌توان گفت: که او یا متمقی است و ملکه تقوا را داراست و یا هیچ مرتبه‌ای از مراتب تقوای الهی را واجد نیست، بلکه در تقوا به عنوان یک صفت نفسانی، باید چنین گفت: این ملکه نفسانی از شدت وضعف برخوردار است (طباطبائی، ۱۴۱۷). بنابراین، ممکن است انسانی ملکه تقوا داشته باشد، اما در مراحل پایین آن سیر کند. از این رو، کسانی که از تقوای کمی برخوردارند به تناسب میزان تقوایی که دارند از خودکنترلی بهره می‌برند و به هر مقدار که تقوا در افراد ریشه بدواند و رسوخ کند ایشان خودکنترل تر خواهند شد (مساعد و نادری قمی، ۱۳۹۴). موضوع خودکنترلی از مفاهیمی است که در رفتار سازمانی توجه خاصی به آن شده است. چارچوبی که به‌طور خاص و ویژه با فرایند کنترل خود تناسب دارد، تئوری یادگیری اجتماعی (SLT)<sup>۱</sup> است (امیری، ۱۳۸۳). در این تئوری بر تعامل فرد، رفتار و محیط تأکید می‌شود. در این نظریه کنترل متأثر از تعامل فرد با عوامل بیرونی می‌باشد؛ یعنی فرد در عمل به تعاملات درونی و بیرونی محدود بوده و از طریق آن‌ها کنترل می‌شود؛ به عبارت دیگر، کنترل نه صرفاً مبتنی بر سیستم‌های رسمی کنترل سازمانی صورت می‌گیرد و نه به گونه‌ای است که یک فرد به‌طور کامل تعیین‌کننده رفتار خود باشد (هلیر، ۱۹۸۳؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۳). باندروا در نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۲</sup>، به نقش خودکنترلی اشاره می‌کند و بر این اعتقاد است که تا آنجا که آدمی بتواند محیط و فرایندهای شناختی خود را اداره کند، رفتار خود را نیز می‌تواند کنترل کند و این خودکنترلی به یادگیری فرد منجر می‌شود (ابطحی و خیراندیش، ۱۳۸۸).

1 . Social Learning Theory.

2 . Social Learning Theory (SLT).

## نتیجه گیری

تقوا به عنوان یک عامل درونی، اعمال و رفتار و نیت‌های انسان را تحت مراقبت شدید قرار می‌دهد و بر انجام دستورها و خواسته‌های خداوند متعال اصرار می‌کند و انسان را از آلوده شدن به گناه و سرپیچی از او امر الهی باز می‌دارد. تقوا و پرهیزکاری باعث می‌شود که انسان در میان مردم، از عزت و احترام بیشتری برخوردار باشد و محبوب دل‌های آنان گردد؛ و هر کس که از عزت و احترام بیشتری در میان مردم برخوردار باشد و مردم او را دوست داشته باشند، نفوذ بیشتری بر آنان خواهد داشت و بهتر از دیگران می‌تواند بر مردم تاثیر گذار باشد. با توجه به مفهوم و کارکرد به شدت عملی تقوا و روش‌های کاربردی تقوا و قابلیت کاربست آن در سیستم‌های اجتماعی (سازمان)، قابلیت آن را دارد که به عنوان یک مبنای رفتار سازمانی از منظر اسلامی مطرح شود؛ اثربخشی این سیستم مستلزم توسعه یک نظام رفتاری اثربخش است؛ اما اینکه چطور تقوا می‌تواند به عنوان یک مبنا در رفتار سازمانی اسلامی در نظر گرفته شود، لازم است تا یک نظام رفتاری اثربخش مبتنی بر سه بعد مفهومی<sup>۱</sup>، ساختاری<sup>۲</sup> و عملکردی<sup>۳</sup> برای توسعه آن در نظر گرفته شود (ترک‌زاده، ۱۳۸۸). این ابعاد می‌تواند در متن یک رویکرد راهبردی و با یک رهبری مناسب، به مثابه الگوی سیستمی توسعه سیستم‌های رفتاری، مبنای اقدام برای توسعه مدیریت اسلامی و رفتار سازمانی مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار گیرد (ترک‌زاده، ۱۳۸۵). منظور از بعد مفهومی، پنداره مفهومی موجود در زمینه نقش و ضرورت مفهوم تقوا، چیستی ابعاد، ویژگی‌ها، روش‌ها، ارزش‌ها و الزامات اساسی آن است. در واقع این بعد به اندیشه، بصیرت و چشم انداز، ارزش‌ها و راهبردهای کلان سازمان‌ها در زمینه بکارگیری مفاهیم اسلامی همچون تقوا به عنوان یک مبنای رفتاری اشاره دارد. اهمیت این بعد در این است که مبنای اساسی شکل‌گیری ابعاد دیگر واقع می‌شود. منظور از بعد ساختاری، هرگونه جهت‌گیری، ترتیبات و سازوکارهای سازمانی فراهم شده در جهت پیشبرد و تحقق در خصوص بکارگیری مفهوم تقوا است. بعد ساختاری به تمام سازوکارهایی اشاره دارد که تسهیل‌کننده

1. Conceptual.
2. Structural.
3. Functional.

انتقال معنا و مفهوم تقوا در سراسر سازمان است. بعد ساختاری به دنبال بعد مفهومی و بر آن اساس پدید می‌آید. بعد عملکردی نیز در واقع، مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی است که در جهت پیشبرد و تحقق مفهوم تقوا به عنوان یک مبنای رفتاری به عمل می‌آید. این بعد مشتمل بر فعالیت‌های متمرکز بر بکارگیری مفهوم تقوا، اقدامات زمینه ساز پشتیبان برای انجام آن و ملاحظات عملکردی مربوط به آن است. به‌طور کلی بعد مفهومی نوعاً ماهیت شناختی دارد. در بعد ساختاری، می‌بایست پویایی‌ها و پیچیدگی‌های حوزه‌های راهبردی، تشکیلاتی و فرهنگی به گونه‌ای درست، منسجم و کارآمد به هم آمیخته شوند. نهایتاً اینکه بعد عملکردی، ماهیتی عملیاتی و عمدتاً فرایندی دارد. ملاحظه می‌شود توسعه هر کدام از این ابعاد، شرایط و اقتضائات خاص خود را دارد که بعضاً برآورده ساختن آن‌ها به آسانی میسر نیست و از آنجا که مدیریت اسلامی به عنوان یک الگوی مدیریتی از سابقه چندانی برخوردار نیست و به ویژه پشتوانه پژوهشی تجربی و رفتاری قابل ملاحظه‌ای ندارد (ترک زاده، ۱۳۸۸؛ ترک زاده و همکاران، ۱۳۸۷) بکارگیری مفاهیم اسلامی در رفتار سازمانی و شرایط سازمانی نیازمند تحقیقات و تلاش‌های روزافزونی برای کاربردی کردن مفاهیم اسلامی مرتبط با رفتار سازمانی است. با توسعه و ترویج یک نظام رفتاری مبتنی بر سه بعد فوق در خصوص آموزه‌های اسلامی همچون تقوا، بصیرت، توکل، صبر، عدالت، صداقت، سعه صدر، اعتدال و سایر مفاهیم اسلامی، امکان فرهنگ سازی یک مدل جامع رفتار سازمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تبدیل آن به یک زیربنای محکم رفتاری برای کاربرد در سازمان‌های اسلامی و حتی غیراسلامی، وجود دارد به‌طوری که سازمان‌ها می‌توانند با بکارگیری این مدل جامع، بسیاری از معضلات و چالش‌هایی را که با آن مواجه هستند، به راحتی حل کرده و در جهت دستیابی به سلامت سازمانی مبتنی بر سه مفهوم اثربخشی، انسجام و پاسخگویی به نیازهای محیطی و اقتضائات آن گام برداشته و در عین تحقق اهداف و مطلوبیت‌های خود (ترک زاده، ۱۳۸۸). زمینه ترویج و توسعه مفاهیم اسلامی را در سازمان‌ها و جامعه فراهم کرده و غبار غفلت و فراموشی را از گنجینه‌های عظیم اسلامی در حوزه‌های رفتار و تعاملات انسانی و سازمانی بزدايند و بدین طریق راه را برای جهانی کردن آموزه‌های رفتاری مبتنی بر آن هموار نمایند. همچنان تقوا، دارای قابلیت کارکردی و کاربردی در شکل‌دهی و تحقق رفتار سازمانی اسلامی را دارد به این معنا که مفهوم تقوا چنان غنی است که اولاً می‌تواند تبیین‌کننده

سایر مبانی رفتار سازمانی اسلامی همچون ایمان، توکل، صبر و ... حول محور خود باشد و ثانیاً می‌تواند نقش محوری و اساسی را در عاملیت رفتار انسانی در سیستم‌های اجتماعی مختلف داشته باشد؛ لذا تقوا، بستری است که سایر مفاهیم رفتار سازمانی می‌توانند بر مبنای آن پی‌ریزی شده و در جهت شبکه‌سازی مفاهیم مرتبط با رفتار سازمانی اسلامی نقش اساسی داشته باشد. ان شاء الله

#### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه: علینقی فیض الاسلام، تهران.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

ابطحی، سیدحسین و خیراندیش، مهدی (۱۳۸۸). ارائه الگوی خودکنترلی در سازمان با نگرش اسلامی، تدبیر، شماره ۲۱۳، صص ۲۸-۲۳.

ابن عجبیه احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق، قرشی رسلان، احمد عبدالله، ج ۱، ص ۵۷، ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

الوانی، سید مهدی (۱۳۶۷). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.

امیری، علی نقی (۱۳۸۳). نگاهی جامع به خودکنترلی در سازمان، فرهنگ مدیریت، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۰۴-۱۵۳.

انجوی نژاد، سید مهدی (۱۳۷۵). واژه تقوی، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۴۴-۱۳۳.

بختیارزاده، محمدجواد (۱۳۸۶). نظارت و کنترل و مراحل آن در مدیریت، نخل شهداد، (مدیریت در اسلام)، شماره ۶، صص ۸-۵.

- پیروز، علی آقا (۱۳۸۳). مدیریت در اسلام زیر نظر سید مهدی الوانی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: اسراء.
- حبیبیان، سجاد (۱۳۹۰). نگاهی جامع بر اهمیت خودکنترلی در سازمانهای امروزی و بررسی جایگاه این نوع کنترل در نهج البلاغه، مدیریت در اسلام، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۱۹۶-۱۷۹.
- حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۶). ارزشیابی آموزشی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۵، صص ۵۴-۳۷.
- حراعلمی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل اشيعه، قم: موسسه آل البيت.
- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۷۱). نقش تقوا در رشد شخصیت انسان، علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۴۱-۲۵.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۴). نقش وجدان کاری بر افزایش بهره وری سازمانی، مجله زمینه، سال پنجم.
- خدمتی، ابوطالب و همکاران (۱۳۸۲). مدیریت علوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- خیری، طاهر (۱۳۸۲). خود کنترلی در سازمان، تدبیر، شماره ۱۳۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸). لغت نامه دهخدا، تهران: مجلس شورای ملی.
- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سید غلامرضا خسروی، انتشارات مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹، تهران، ج ۳، ص ۴۷۹.
- رضوی، میر مسعود و جعفری، مصطفی (۱۳۷۶). به سوی فرهنگ بهره ور بازرسی و نظارت و طراحی مدلی برای ایجاد آن، مجموعه مقالات اولین همایش نظارت و بازرسی، سازمان بازرسی کل کشور، صص ۱۹۹-۱۹.
- زارعی متین، حسن (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت؛ رویکرد اقتضایی، تهران: دانشگاه تهران.



- سجادی، سیدعلی (۱۳۸۵). خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی (با نگاهی بر جایگاه خودکنترلی در نظریه های مدیریت، اندیشه صادق، شماره ۲۳، صص ۱۶-۳.
- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر علی شیروانی، نامه ۵۳ شرمهون، جان آر (۱۳۷۸). مدیریت رفتار سازمانی ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، تهران: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۳۶.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق، مصحح، کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج ۱، ص ۵۲۶، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، جلدهای ۱۵ و ۱۷.
- عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، ص ۱۳۷
- فروزنده، لطف الله (۱۳۸۵). نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی، مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۵۳.
- فیض کاشانی، مولی حسن (۱۴۰۲ ق). المحجّه البیضاء، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قدیری، محمدحسن (۱۳۸۹). خودکنترلی کودک؛ خمیرمایه خویشتن داری اخلاقی (تقوا)، راه تربیت، شماره ۱۱، صص ۱۸۷-۱۱۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، محقق، مصحح، حسنی بیرجندی، حسین، ص ۶۸، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محقق، مصحح، رسولی، سید هاشم، ج ۸، ص ۵۲-۵۳، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۰۷-۱۱۱۰ ق). بحارالانوار، مترجم سید ابوالحسن موسوی همدانی (۱۳۶۴)، قم: انتشارات کتابخانه مسجد ولی عصر (ع).
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه، مترجم حمید رضا شیخی، جلد‌های، چهارم، نهم، یازدهم، چاپ چهارم، قم: انتشارات دارالحدیث.
- مساعده، علی و نادری قمی، محمدمهدی (۱۳۹۴). نقش تقوا در خودکنترل شدن کارکنان، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۰، صص ۶۸-۴۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ص ۳.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، ج ۳، ص ۵۵، دمشق، مطبعه الترقی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
- مورای، کریس (۱۳۸۹). چالش‌های مدیریت در هزاره سوم، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی و عادلہ سادات احمدپو، تهران: مدیران.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸). شرح چهل حدیث، تهران: نشر آثار.
- میر شمسی، صدیقه (۱۳۸۶). لباس تقوا، نامه الهیات، شماره ۱، صص ۱۲۲-۱۰۹.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۷۲). مدیریت اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

تجارت بخش اصفهانی، علی و مطهری، عبدالهادی (۱۳۹۲). بررسی نظارت با تأکید بر خودکنترلی جهت ارتقاء سلامت اداری در ایران اسلامی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۷، صص ۴۳-۵۸.

نراقی، محمدمهدی (۱۲۰۹-۱۱۲۸ ق). جامع السادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی (۱۳۶۶)، تهران: حکمت.

نوری الطبرسی، حسین (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت.

Schmidt, Timpano, K. R., N. B., (2013). "The relationship between self control deficits and hoarding: A multimethod investigation across three samples". The Journal of Abnormal Psychology, p. 13-25.

Thomas, A. P (1983). «Self-control», in LOWE T., MACHIN J.L.J. (eds.), New Perspectives in Management Control, The Macmillan Press ltd, pp. 178-190.

## Piety; A factor for Islamic organizational behavior

### Abstract

The Qur'an regards piety as the condition of salvation from the fire of hell and the acceptance of actions which leads to the rebirth of blessings on man and the liberation of man from the plagues in the world. Piety in the network is central to the key terms and terms of the Qur'an and Islam. Regarding the problems and problems faced by various communities and organizations, virtue seems to be a major and fundamental factor in solving these problems and problems and it has the functionality and functionality, and has the function of shaping and realizing Islamic organizational behavior. Therefore, in this article, the concept, meanings, individual and social effects, examples and piety relation with the methods of controlling the behavior using Quranic Quranic verses and Qur'anic narrations in a qualitative way and using the content analysis method using the data collection form and tried and tried. to use the concept of piety, a basis for an effective behavioral system based on three dimensions, conceptual, structural and functional.

**Keywords:** piety, behavior, self-control.